



دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

مطالعه روند تحول فرم ابزار جنگی گرز در نگاره‌های سه شاهنامه بایسنقری، تهماسپی و رشیدا

الهه اقبالی‌زاده* علیرضا طاهری**

چکیده

۸۳

گرزها ابزاری قدیمی و قدرتمند محسوب می‌شوند که در جنگ‌های تن به تن و گروهی استفاده می‌شدند. علاوه بر جنبه رزمی، از جنبه تشریفاتی، آیینی و اسطوره‌ای برخوردار بوده‌اند. گرز، یکی از کهن‌ترین ابزارهای جنگی جهان و پرکاربردترین سلاحی است که ایزدان و پهلوانان هند و اروپایی از آن استفاده می‌کرده‌اند که در اوستا و در متون اسلامی به آن اشاره شده است. بر اثر پیشرفت در ساخت افزارهای جنگی، گرزها از اشکال ساده به شکل‌های مختلف هندسی شامل؛ کروی، مخروطی و...، حیوانی، دیوسر و انسانی تغییر شکل داده‌اند. اغلب دارای بدنه قوی، چوبی یا فلزی و سری سنگین از جنس مس و برنز هستند. گرزها می‌توانند به‌عنوان نمادهای قدرت تلقی شوند. حال این سؤال مطرح است که روند تحول فرم ابزار جنگی گرز در نگاره‌های سه شاهنامه بایسنقری، تهماسبی و رشیدا چگونه بوده است؟ هدف از این پژوهش، شناخت انواع و سیر تکاملی گرز و نسخه‌های مصور شده با مضمون جنگ‌افزار گرز در نگاره‌های سه شاهنامه مذکور است. دلیل تغییر شکل گرزها، باور ایزدان و پهلوانان، تأثیر شرایط اقلیمی و اجتماعی و پیشرفت در ساخت افزارهای جنگی بوده است. گرزها نشان‌دهنده قدرت پهلوانی و به جهت ایجاد رعب و ترس در دشمن بوده‌اند. داستان‌های اساطیری و جنبه تشریفاتی جنگ‌افزار گرز، به واسطه نگاره‌ها در شاهنامه‌های مذکور به نمایش درآمده‌اند. روش تحقیق، توصیفی-تطبیقی بوده و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی، سایت‌های معتبر علمی و موزه‌ها انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: گرز، نقش‌مایه حیوانی، شاهنامه تهماسبی، شاهنامه رشیدا و شاهنامه بایسنقر

*کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

**استاد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

گرز در ابتدا جنگ‌افزاری ارزان و ساده‌ساخت، دارای کاربرد و سلاحی معمولی بوده که از سنگ‌های تراشیده و نوک‌تیز، چوب‌های مقاوم و استخوان‌های بلند و سنگین جانوران به وجود آمده است. گرزهای اولیه از چوب، سنگ و فلز ساخته می‌شدند که نوع چوبی آنها از چوب‌های بسیار محکم و گره‌دار جنگلی درست شده و میخ‌هایی به سر آنها می‌زدند. «کهن‌ترین و ساده‌ترین گرز، چماق چوبی کوتاهی با کره گردی در انتها بوده که از عصر حجر تا به امروز در شرق میانه به کار می‌رود» (پوپ، ۱۳۸۷: ۸۲). گرزهای سنگی در ابتدا ترکیب سنگ و دسته چوبی بوده یا تماماً از سنگ ساخته شده‌اند، بسیار سخت و محکم بوده و وزن زیادی داشتند. سپس به مرور زمان و با کشف فلز، گرزهایی از آهن، فولاد، مفرغ و ... ساخته شده که سر برخی از گرزها کروی، بیضی، تخم مرغی یا گلابی‌شکل بوده و دارای سطوحی میخی‌شکل یا قبه‌دار بودند و تزئین شده‌اند. گرزها می‌توانند به اندازه‌های مختلف و در مراسم تشریفاتی به‌عنوان نمادهای قدرت تلقی شوند. گرز در آثار نگارگری و ابتدای تاریخ به شکل ساده بوده که در اثر گذشت زمان تغییر یافته و به گرزهایی با سر جانوری گاو، ببر (گره‌سانان)، شتر و ... در نگاره‌های شاهنامه مصور شده است. نمونه‌های دیگر گرز، به صورت گرزهایی با فرم سر انسان و دیوان شاخ‌دار (دیوسر) نیز موجود هستند که نمونه واقعی آنها در موزه‌ها قابل مشاهده است. در شاهنامه فردوسی نخستین بار، نام گرز گاوسر در داستان فریدون و ضحاک ذکر شده است. گرز گاوسر و پیشینه اساطیری آن در نابودی شر، آن را تبدیل به یکی از نمادین‌ترین ابزارهای نبرد با دشمنان اهریمنی کرده است. این جنگ‌افزار، به‌عنوان یک سلاح مقدس و میراثی است که از فریدون به دیگر شاهان و پهلوانان شاهنامه رسیده است. شکل‌گیری ابزار نمادین گرز گاوسر در داستان‌های شاهنامه، تفسیری از نمادپردازی گاو در اساطیر است. نسخه‌هایی در شاهنامه بایسنقری، تهماسبی و رشیدا مصور شده که نشان‌دهنده تحول فرمی گرز و اهمیت آن هستند. در مرقع گلشن نیز نگاره‌هایی به شیوه هندوایرانی وجود دارند که در آنها گرز شبیه سرجانوری مصور شده است. پژوهش انجام‌شده، به دنبال پاسخ این سؤال است که روند تحول فرم ابزار جنگی گرز در نگاره‌های سه شاهنامه بایسنقری، تهماسبی و رشیدا چگونه بوده است؟ هدف از انجام این پژوهش، شناخت انواع و سیر تکاملی گرز و نسخه‌های مصور شده با مضمون جنگ‌افزار گرز در نگاره‌های سه شاهنامه مذکور است.

پیشینه پژوهش

هنر نگارگری همواره مورد پژوهش و کنکاش محققین داخلی و خارجی قرار گرفته، اما تحقیقات کافی در رابطه با مطالعه روند تحول فرم ابزار جنگی گرز و نسخه‌های مصور شده سه شاهنامه بایسنقری، تهماسبی و رشیدا با مضمون گرز صورت نگرفته‌اند. سمسار (۱۳۷۹) در کتاب خود با عنوان "کاخ گلستان (گنجینه کتب و نفاثات خطی) گزیده‌ای از شاهکارهای نگارگری و خوشنویسی"، مجموعه نسخ خطی مصور را جمع‌آوری کرده و به آنها پرداخته است. در کتاب رجیبی (۱۳۸۴) با نام "شاهکارهای نگارگری ایران" که مجموعه‌ای از آثار دوران مختلف نگارگری است، نگاه کلی، اجمالی و تاریخی به نسخه‌های خطی و برخی شاهنامه‌ها شده؛ همچنین، منتخبی از نسخ خطی نیز وجود دارد. در کتاب عناصری (۱۳۷۰) تحت عنوان "مجموعه مینیاتورها و صفحات مذهب شاهنامه فردوسی نسخه دوره بایسنقری"، نسخه‌هایی از شاهنامه مصور شده و توضیحاتی در مورد آنها نوشته شده‌اند؛ همچنین، تصاویر تعدادی گرز جنگی که در موزه متروپولیتن و ... نگهداری می‌شوند، در کتاب مذکور موجود هستند. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، تا کنون در زمینه این پژوهش، تحقیق جامعی صورت نگرفته است.

روش پژوهش

پژوهش مذکور بر مبنای ماهیت توصیفی-تطبیقی است. گردآوری اطلاعات، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی، سایت‌های معتبر علمی و موزه‌ها انجام شده است.

جنگ‌افزارهای پیش از تاریخ

جنگ‌افزارهای پیش از تاریخ، ساده و اغلب بدون تزئین و بیشتر جنبه رزمی داشته و مرتبط با نیاز و شرایط حاکم بر جامعه، به شکل‌های مختلف ساخته شده و مورد استفاده قرار می‌گرفتند. «از زمان آفرینش جهان، کشمکش‌های انسان اولیه با یکدیگر، بر سر کسب بهره بیشتر از منابع طبیعت، منجر به پیدایش پدیده فراگیر و اجتماعی "جنگ" شد. پیروزی در این نبردها با اتکا بر هوش و ساخت ابزارآلات جنگی امکان‌پذیر بود و این امر به خودی خود منجر به تحول، ایجاد صنایع جدید، کشف مواد اولیه مختلف و به‌کارگیری آنها و در نهایت، به پیشرفت ابزارآلات جنگی منتهی شد. به علت موقعیت جغرافیایی این سرزمین و قرار گرفتن بر سر راه کشورگشایان، صنعتگران خیلی زود با اسلحه‌سازی آشنا شدند و ایران به یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مراکز فنی شرق دور و نزدیک بدل شد» (زکی، ۱۳۶۶: ۲۶۸). در ایران،

دراز و ضخیم که از درخت یا بوته یا نباتات دیگر می‌کندند، از جمله این مصالح بوده‌اند. «وقتی انسان تولید مفرغ، آهن و فولاد را آموخت، از آنها برای ساخت سلاح‌های قوی‌تر استفاده کرد. با استفاده از فلز، گرز ساده، به گرز زره‌شکن تبدیل شد. سرگرز زره‌شکن، سنگین و گل‌میخ‌دار یا نوک‌تیز بود. از این خاصیت برای کوبیدن و خرد کردن سپر یا زره دشمن استفاده می‌شد. همچنین سربازان پیاده یا سوار از آن برای جنگ تن به تن استفاده می‌کردند. در بریتانیا عصای سلطنتی که ملکه در مراسم خاص در دست می‌گیرد، در واقع نوعی گرز زره‌شکن به شمار می‌رود» (فاولر، ۱۳۸۱: ۸). گرز از چهار قسمت؛ روی گرز، سرگرز، قبضه گرز و دسته گرز تشکیل شده است. گرزها به لحاظ جنس و مواد، چند گونه هستند؛ چوبی، سنگی، فلزی یا ترکیبی.

فرم گرزها

گرزها، به اشکال هندسی مختلفی ساخته و مصور شده‌اند؛ دایره، مربع، کروی، مخروطی، پره‌دار، زنجیری و همچنین به شکل سر حیوانات مانند؛ گرز گاوسر و سر انسان، دیو.

گرز با فرم هندسی

این گرزها، به اشکال دایره، مربع و گاهی به صورت نیمه‌هندسی ساخته شده و اغلب دارای تزئینات هستند. از جمله گرزهای هندسی، می‌توان به گرز کروی، مخروطی، پره‌دار (شامل شش پر و ...) و زنجیری اشاره کرد. «در روسیه سر این اسلحه گاهی به شکل مکعب تهیه می‌شد و آن را پروس می‌گفتند. ترک‌ها و مغول‌ها اغلب گرزهای خود را تراش می‌دادند و با میخ‌هایی مجهز می‌کردند و آن را به نام بزдохان می‌خواندند» (دوبنچا، ۱۳۴۶: ۹۲). فرم گرزهای هندسی به وفور در آثار نگارگری مصور شده و تزئیناتی بر روی آنها کار شده‌اند.

گرز با فرم کروی

نوع کروی، قدیمی‌ترین و ساده‌ترین شکل گرز است و پیش از تاریخ تا دوران اسلامی در ایران استفاده می‌شده است. این سلاح برای شکستن زره‌ها، کلاه‌خودها و چهارآینه‌ها به کار می‌رفته و بسیار خطرناک بوده است. ضربات این گرز، باعث شکستگی استخوان‌ها و خون‌ریزی داخلی می‌شده‌اند. از این نوع سر گرز، برای ضربات عمودی بر سر، شانه، بازو و ضربات افقی بر بدن استفاده می‌کرده‌اند. سر گرزهای این گروه کاملاً کروی هستند و در نگارگری نیز بازتاب گسترده‌ای داشته‌اند. این سلاح‌ها در قسمت فوقانی قبه‌دار هستند و دسته‌های باریک و لوله‌ای شکلی دارند. در اکثر صحنه‌ها،

تبر و گرز برای قرن‌ها سلاح‌هایی کارآمد در میادین جنگ به حساب می‌آمدند و عملکردی دوگانه داشتند؛ الف. سلاح جنگی، ب. سلاح نمادین و نشانی رسمی برای صاحب خود. سلاح‌ها به دو دسته تدافعی و تهاجمی تقسیم می‌شوند؛ از سلاح تدافعی جهت مقابله با دشمن و حفظ خود از آسیب‌ها استفاده می‌شود مثل سپر و غیره، «سلاح تهاجمی، به آن دسته از ابزارهای جنگی اطلاق می‌شود که آدمی از آنها جهت ضربه زدن و از پای درآوردن حریف و رقیب جنگی خود و پیروزی بر وی، استفاده می‌کردند. افزارها و دیگر لوازم و متعلقات به جنگ‌افزارها را بیشتر در بخش تهاجمی مشاهده می‌کنیم» (فورد، ۱۳۶۸: ۶۷-۶۵). گرز، از جمله سلاح‌های تهاجمی محسوب می‌شود.

جنگ‌افزارهای کوبنده

در قدیم، جنگ‌افزارهای کوبنده‌ای وجود داشتند از قبیل؛ چماق چوبی، تبرزین که در نقش برجسته‌های پارسه به دست سربازان هخامنشی به چشم می‌خورد که به شکل سر یک پرنده احتمالاً اردک است که تیغه تبرزین از منقار آن بیرون می‌آید و سمت دیگر تبرزین به شکل نیم‌دایره با دو میخ در انتهای آن ختم می‌شود که برای شکستن زره، کارایی داشت. جنگ‌افزار دیگر، چکش است که مانند گرز برای مغلوب نمودن دشمن بوده و ضربات محکم و سهمگینی ایجاد می‌کرد و همچنین از فلاخن (قلاپسنگ)، منجنیق و ... استفاده می‌کردند. منجنیق را بر دروازه شهر نصب کرده و با کوبیدن، حصار شهر را تخریب می‌کردند و سربازان را از پای درمی‌آوردند.

گرز

گرز، از قدیمی‌ترین سلاح‌ها در تاریخ نظامی ایران است و در اوستا از آن به‌عنوان سلاح ایزدان یاد شده است. گرز، سلاح مورد علاقه قهرمانان اسطوره‌ای ایران همچون؛ سام، گرشاسب و رستم در شاهنامه است. به علاوه، از جمله مؤثرترین سلاح‌ها علیه زره‌پوشان در میدان نبرد بوده و به همین جهت، در دوره صفوی زیاد استفاده می‌شده است. «گرزها نه تنها در میادین نبرد به‌عنوان سلاحی خردکننده، بلکه به‌عنوان نمادی از قدرت، نقش مهمی در فرهنگ ایرانی ایفا می‌کردند» (Moshagh Khorasani, 2006: 250). «در ادبیات فارسی، هشت کلمه کوپال، گوپال، لخت، لت، سرپاس، دبوس، یک زخم و میل، در معنای گرز به کار رفته‌اند» (پورداوود، ۱۳۸۲: ۹۳). انسان از مصالح گوناگون برای ساختن گرز استفاده کرده است؛ مثلاً استخوان‌های بلند و سنگین جانوران، چوب

255). این نوع گرزها در میادین جنگ برای در هم شکستن پوشش‌های زرهی سنگین، از انواع دیگر کارآیی فوق‌العاده بهتری داشتند. در حقیقت، پره‌های این سلاح در مواقعی که شمشیر در مقابل زره کارآیی نداشت، باعث خرد شدن آن می‌شد و جراحات مرگباری برای مهاجم ایجاد می‌نمود. مورد مهم دیگر در مورد گرزهای شش پر این است که بیشتر از دیگر گرزها در نبرد استفاده می‌شدند و کارکرد تشریفاتی-آیینی داشته‌اند. تزئینات بیشتر این سلاح که تماماً با طلا پوشانده شده و اندازه آن که برای مقاصد نظامی بسیار کوتاه و کوچک است، دلیلی بر اثبات کارکرد تشریفاتی آن است. البته لازم به یادآوری است کسانی که سلاح‌های تشریفاتی حمل می‌کردند، در مواقع نیاز با هم‌مین سلاح‌ها افراد را می‌کشتند. نکته در این است که برای جنگ‌های تن به تن، کارآیی لازم را نداشتند. موضوعی که پیگیری گرزهای شش پر در نگارگری را سخت می‌کند، دقت زیادی است که در کشیدن پره‌های این جنگ‌افزار لازم بوده است (تصویر ۳).

گرزهای زنجیری

دسته این گرز کوتاه است و به وسیله زنجیر، گویی از آن آویخته است. این سلاح از هندوستان وارد ایران شده بود. با توجه به اندازه و ظاهر آن، به نظر نمی‌رسد کاربرد جنگی چندانی داشته باشد. این نوع گرز از زمان مغول رایج شد و به زودی در اوایل قرن هفدهم میلادی، منسوخ شد. با ورود سلاح آتشین، کم‌کم از اهمیت این سلاح کاسته شد؛ اما ضربه کاری را افول هنر اسلحه‌سازی بر پیکر گرزها وارد ساخت (تصویر ۴). «در میان تورانیان یعنی ساکنین آسیای مرکزی



تصویر ۳. کله گرز، ایران، قرن ۱۳ میلادی، برنز، ریخته‌گری، مزین به حکاکی، ارتفاع ۱۱/۵ سانتی‌متر (الکساندر، ۱۳۸۷: ۴۴)

سر گرزها بسیار بزرگ کشیده شده‌اند و فرم متفاوتی نسبت به نمونه‌ها را نشان می‌دهند. این امر صرفاً به دلیل بی‌دقتی در ترسیم نقوش است و نه نوع متمایزی از گرزها (تصویر ۱).

گرز با فرم مخروطی

نوع دیگری از گرزهای دوره صفوی، مخروطی‌شکل هستند. در طبقه‌بندی گرزهای ایرانی، این نوع را همواره در زمره گرزهای کروی قرار داده‌اند؛ اما گرزهای مخروطی ویژگی‌های متفاوتی نسبت به گرزهای کروی دارند و بهتر است در یک طبقه جداگانه بررسی شوند. ناحیه فوقانی سر گرز، حالت قبه‌مانند دارد. این نوع گرز در میان نگاره‌ها نیز به نمایش درآمده است، اما با توجه به اینکه تزئین زیادی روی گرز انجام نشده و مهم‌تر از آن صحنه‌ای تشریفاتی نیز ندارد، کمتر نشان داده شده است. گرزهای مخروطی برای مقاصد نظامی استفاده می‌شده و کارکرد تشریفاتی نداشته‌اند. بررسی نمونه‌های باقی‌مانده و نگاره‌های موجود، این نظریه را مطرح می‌کند که دسته‌های کوتاه و لوله‌ای‌شکل، بهترین فرم دسته خصوصاً برای مقاصد نظامی بوده‌اند (تصویر ۲).

گرز با فرم پره‌دار

گرزهای پره‌دار از فولاد ساخته می‌شدند و از جمله سلاح‌های مؤثر سپاهیان صفویان به حساب می‌آمدند. بیشتر این نمونه‌ها شش پر دارند؛ به همین دلیل، شش پر یا شش بال نامیده می‌شوند. «به پره‌های این سلاح، شاقه می‌گفتند. البته در بعضی از گرزها این باله‌ها به بالای هشت عدد نیز می‌رسند. اکثر این نوع گرزها، سر گردی دارند که به چندین پره یا باله در یک زاویه تقسیم شده‌اند» (Moshtagh Khorasani, 2006)



تصویر ۱. گرز، ایران، قرن ۱۳ ق، فولاد و طلا، طول ۶۶/۵ و ارتفاع ۸/۵ سانتی‌متر، موزه ملی، کراکو (مایدان، ۱۳۹۲: ۲۷۹).



تصویر ۲. سر گرز جنگی مخروطی‌شکل، فلز، خزانه جنگ‌افزار موزه بنیاد مستضعفان (URL: 1)

گزارش فردوسی در شاهنامه، این جنگ‌افزار در داستان‌هایی آمده است که دربرگیرنده لحظات سرنوشت‌ساز زندگی شاهان و قهرمانان بوده است. فریدون، این سلاح را برای رویارویی با ضحاک بدسرشت طرح می‌ریزد. جان هینلز، پژوهشگر اساطیر ایران می‌نویسد: موبدان زرتشتی، گرز گاو سر مهر را به‌عنوان نمادی از جنگی که باید با نیروهای شر داشته باشند، با خود حمل می‌کنند. مهر، گرز خویش را سه بار در روز، در بالای دوزخ می‌چرخاند تا نگذارد دیوان به دوزخیان، عقوبتی بیش از آنچه سزاوار آن هستند، تحمیل کنند» (واحددوست، ۱۳۸۷: ۴۱۰-۴۱۲). پورداوود، گرز گاو سر را یک نماد بسیار مهم در اسلحه‌سازی ایرانیان باستان توصیف می‌کند. «گرز گاو سر، گاو سار، گاوچهره، گاوروی یا گاورنگ، همان گرز است که فریدون به یاد گاو برمایه که او را شیر داد و به جای دایه وی بود، ساخته بود» (پورداوود، ۱۳۴۵: ۲۵). گرز گاو سر در داستان‌های پهلوانی و مذهبی، در دست سام، نریمان، رستم، گیو، اسفندیار، گرشاسب و غیره نیز دیده می‌شود. «علاوه بر پهلوانان ایرانی، دشمنان هم گاه به این گرز مسلح‌اند؛ از جمله این‌ها کاموس کشانی است» (پوراحمد و جعفری دهقی، ۱۳۹۲: ۴۴). «هارپر اعتقاد دارد که این سلاح، بیشتر کاربرد تشریفاتی داشته است» (Harper, 1985: 248-250).

گرز با سر قوچ

این گرز در سال ۱۹۷۱ از کلکسیون بامفورد جمع‌آوری شده است. گرز موزه آشمولیان، از سه سر شاخ‌دار تشکیل شده که به پایه‌ای فلزی وصل شده است. «این پایه شامل



تصویر ۵. گرز گاو سر، فولاد، طلاکوب، قرن ۱۹ میلادی، دوره قاجار، گرز پادشاه انگلیس، محل نگهداری: موزه متروپولیتن نیویورک (URL: 2)

و همچنین اهالی هندوستان، گرز دیگری به نام گرز زنجیری رواج کامل داشت» (دوبنچا، ۱۳۴۶: ۹۳). «ستاره مرگ یا گرز ناهیدی، این نام، از توپ فلزی گل میخ‌دار ستاره‌شکلی اقتباس شده که به انتهای زنجیر می‌بستند. وقتی این شلاق هوا را می‌شکافته تا ضربتی وارد کند، همانند ستاره صبح چشمک می‌زده است. این نوع گرزها در واقع نوعی چماق فلزی بود، نام ستاره صبح یا ناهیدی را از شلاق‌های مفصل‌دار خرمن‌کوب اقتباس کردند. هر دو گرز صورت‌های گوناگونی داشتند. در کله بعضی از گرزها، گل میخ‌های مهلکی نصب می‌کردند و بعضی هم کله سنگینی داشتند» (فاولر، ۱۳۸۱: ۹).

گرز با فرم حیوانی

ایرانیان عموماً گرزها را به شکل کله گاوی که گوش و شاخ هم برای آن تعبیه می‌کردند می‌ساختند. «در حماسه‌ها و داستان‌های قدیمی در اطراف آنها ضرب‌المثل‌های زیادی آورده شده و معروف است که از افسانه‌های ملی به یمن پیروزی و غلبه بر ظلم، گرزهای خود را به شکل سر گاو تهیه و به دست می‌گرفتند و اغلب برای اینکه هنگام ضربت زدن به دشمن، گرزهای گاو سر آوای هراس‌انگیزی تولید کند و ترس و وحشت دشمن را افزون سازد، در سوراخ گوش و منخزین سرگاو منافذی ایجاد می‌کردند» (دوبنچا، ۱۳۴۶: ۹۲ و ۹۳).

گرز گاو سر

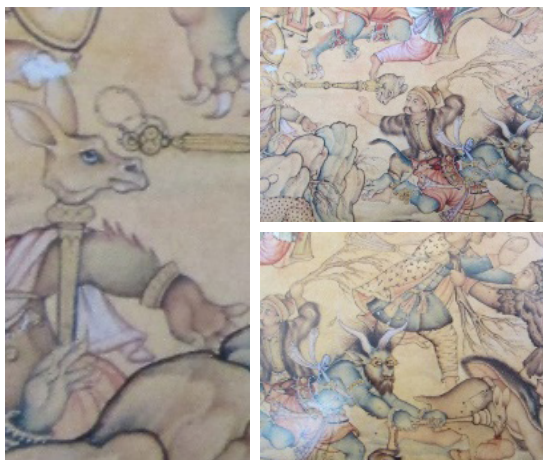
این گرز، گرز معمولی نیست. گرز گاو سر، یکی از معتبرترین جنگ‌افزارهایی است که جایگاهی بدین اعتبار در ادبیات و سنن مذهبی ایران دارد. در آغاز ماه را می‌پرستیدند و از میان حیوانات، گاو، نماد ماه شناخته می‌شد. گرزهای گاو سر، نمایانگر قدرت در افسانه‌های ایرانیان هستند و در بسیاری از نسخه‌های خطی به این موضوع اشاره شده است. با دانستن اهمیت نمادین گاو، جای تعجب ندارد که به‌عنوان یک نمونه بارز در جنگ‌افزارهای ایرانی هم حضور دارد (تصویر ۵). «به



تصویر ۴. گرز، سرعقیق شجری، سده دهم هجری، موزه توپقایی، استانبول (پوپ، ۱۳۹۴: ۱۴۳۲)

پایین گردن شیر، دو حلقه در ابتدا و انتهای آن تعبیه شده و در پایین قسمت انتهایی دسته گرز، یک گوی قرار گرفته است. این گرزها در زمره گرزهای زومورفی (جانورسان) قرار گرفته‌اند. «سر زومورفیک^۱ (جانورسان) دارای چشم و گوش بادامی شکل، سوراخ بینی و یک دهان باز و عریض مشخص شده که در داخل دهان می‌توان هفت دندان یکنواخت (سه در بالا و چهار در فک پایین) پیدا کرد. در لبه‌های دهان سه-چهار برجستگی نیمکره وجود دارد، سر حیوان در یقه پایان یافته و پس از آن به میله S شکل تغییر شکل می‌دهد. دسته خود دارای یک سطح مقطع گرد و در یک دسته چند ضلعی به پایان می‌رسد. همچنین دسته با دو برآمدگی (قوز) مشخص شده، قسمت پایین آن به شکل یک گل شش پر ساخته شده است. ابعاد مصنوع: طول کل ۶۵، سر ۱۳، میله ۳۵، دسته ۱۷ سانتی‌متر و سطح مقطع گوش حیوان ۳/۶، عرض برجستگی فوقانی ۳/۶، قسمت پایین ۳/۵، عرض انتها ۳ و عرض میله ۱/۰-۱/۱ سانتی‌متر متفاوت است» (Kubik, 2015: 155-156) (تصویر ۷).

در نگاره‌ای از مرقع گلشن، از گرزهای حیوانی به شکل سر ببر و حیوانات ترکیبی استفاده شده است. جنگ تن به تن انسان‌ها با دیوها است که حیوانات نیز به کمک انسان‌ها در شکست دیوها آمده‌اند. رنگ‌ها درخشان، صحنه رزم پرتحرک و دیوها با چهره‌های خشن، رعب‌آور و لباس‌های پر زرق و برق مصور شده‌اند که علاوه بر گرز، از ابزارهای دیگر جنگی همچون سنگ و شاخ و برگ درختان استفاده نموده‌اند. لذا این نگاره، نشان‌دهنده اوج افزارهای جنگ، گرزهای جنگی با سر حیوان و به‌طور کلی، پیشرفت نقاشان در مصور نمودن صحنه‌های جنگی است (تصویر ۸).



تصویر ۸. جنگ بین انسان‌ها و دیوها، آبرنگ، مرقع گلشن، مکتب هندوایرانی، سده ۱۰ ه.ق.، کاخ گلستان (سمسار، ۱۳۷۹: ۲۸۰)

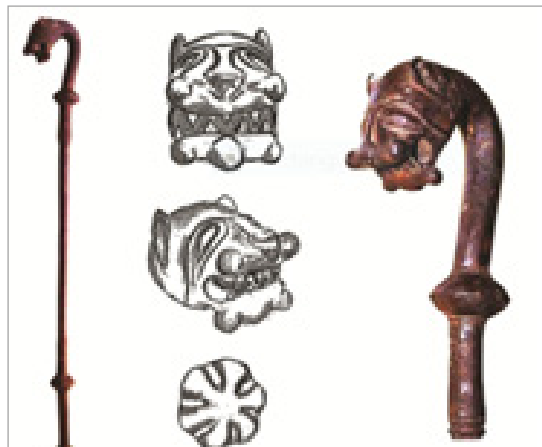
برآمدگی‌های برجسته‌ای است که در انتهای آن دسته‌ای مجزا قرار گرفته که به دستی بسته که گویی را نگه داشته خاتمه می‌یابد. سرهایی به شکل جانور با چهره‌های بادامی شکل و چشم‌هایی گرد و گوش‌ها و شاخ‌هایی که به‌طور واضحی قابل مشاهده‌اند. شاخ‌ها همچنین دارای قسمت‌های برجسته‌ای هستند که ساختار قطعه‌ای شاخ‌ها را نشان می‌دهند. روی گردن جانور، سه نقطه نقش بسته است. سر جانور شکل به یک گردن‌بند مرواریدی دو رشته‌ای خاتمه یافته است. دسته گرز در انتها به دسته دیگر متصل می‌شود که این دسته با یک برآمدگی چند ضلعی شروع می‌شود و به یک دست بسته یا مشت‌شده که گوی یا گره‌ای را نگه داشته و در بالای آن گردن‌بندی مرواریدی است خاتمه می‌یابد. ابعاد آن ۵۶/۷ و سر گرز ۵ X ۵/۸ سانتی‌متر است» (Shah Nadeem, 2015: 157-158) (تصویر ۶).

گرز با سر شیر

گرز برنزی به شکل سر شیر در حال غرش است که سر گرز به صورت خمیده رو به پایین ساخته شده، در قسمت



تصویر ۶. گرز با سه سر قوچ، برنز، موزه آشمولیان، آکسفورد (Shah Nadeem, 2015: 157)



تصویر ۷. گرز با سر شیر، برنز، دوره تیموریان، کلکسیون شخصی Susamislar Kongl، شهر سیواس، ترکیه (Kubik, 2015: 174)

کارآمد و نمادی از شأن و مقام اشخاص استفاده می‌شده است. متأسفانه منابع فارسی، اطلاعات اندکی در مورد سلاح‌های دوره ساسانی دارند. «سلاح‌های این دوره را می‌توان این گونه نام برد: شمشیر دودم که گاهی از جلو بدن به وسیله تسمه‌ای چرمی به کمر بسته می‌شد، گرز، نیزه‌ای به طول دو متر. سوارهایی که در صف تیراندازان آرایش می‌یافتند، غیر از جنگ‌افزارهای یادشده، دو کمان، چند زه یدک، تر کشی پر از تیر و کمند نیز به همراه داشتند. در دوره غزنوی از این سلاح به‌طور گسترده استفاده می‌شد و سلطان مسعود به مهارت در استفاده از گرزهای ۷۰ منی، ۴۰ منی و ۲۰ منی شهرت داشت» (معطوفی، ۱۳۸۲: ۳۹۹-۳۹۲). در دوره ساسانی سواره‌نظام سنگین اسلحه، از گرز برای خرد کردن زره‌پوشان استفاده می‌کردند و در زمان صفاریان نیز از انواع گرز در نبردها استفاده می‌شد. در دوره ایلخانان، ساخت جنگ‌افزارهای فلزی، رشد قابل توجهی پیدا کرد. شمشیرهای این دوره بسیار زیبا ساخته می‌شدند. به اعتقاد برخی از مورخین، عصر تیموری، عصر شکوفایی صنایع و تسلیحات نظامی بوده است و صنعتگران، چیره‌دستی خویش را در ساخت سلاح سرد از فولاد و طلاکوبی تیغه به‌خوبی نشان می‌دادند. «جنگ‌افزارهای تهاجمی و تدافعی ارتش تیموریان عبارت بودند از: شمشیر، تیر و کمان، نیزه، گرز، سپر، خنجر، جوشن، کلاه‌خود و کمند» (رضانژاد، ۱۳۹۷: ۴۷-۴۵). در نگاره‌های عصر تیموری، گرزهایی با طرح‌های مختلف همچون؛ سر حیوانات، گرزهای به سبک گرد و تخم مرغی شکل با نقوش گل‌های پنج پر، دایره‌هایی به رنگ طلایی و سفید در نگاره‌ها مشاهده می‌شوند. «در "فتوت‌نامه سلطانی" به این موضوع اشاره شده که گرز، سلاح پهلوانان و از سمت حضرت محمد(ص) آمده است» (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۳۵۸). در دوره صفوی، نیز مانند دوران پیشین، گرز، سلاح سواره‌نظام سنگین اسلحه



تصویر ۱۰. گرز با سر دیو شاخ‌دار، از جنس فولاد، طلاکاری‌شده، ایران، قرن ۱۸ میلادی، محل نگهداری: موزه هنرهای زیبای لس آنجلس (URL: 3)

گرز با فرم سر انسان

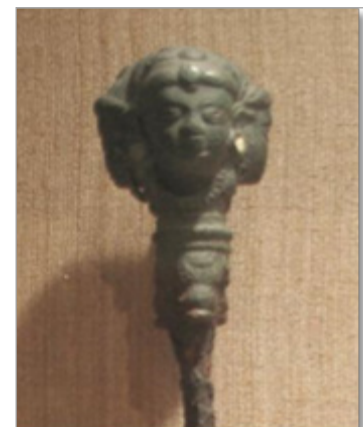
در ساخت این گرز، از فرم یک یا چند سر انسان استفاده شده است که از آن جمله می‌توان گرز مارلیک را نام برد. «دومین گرز از کلکسیون خصوصی می‌آید که در نمایش هنر ایرانی در ترکیه در سال ۱۹۷۱ نشان داده شد. این گرز، شکلی شبیه انسانی بی‌ریش دارد (طبق نظر ا. دبلیو موسکارلا، سر متعلق به یک زن است) که با سر یک قوچ تاج‌گذاری شده است. سرش شامل سه گره هرکول است و احتمالاً نماد (شانس) خوش اقبال‌یست که از سه سر بدون ریش تشکیل می‌شود. هر سر انسان با یک سر گوزن با شاخ‌های خمیده تاج‌گذاری شده است، در حالی که در کنار هر چهره خطی وجود دارد که نشان‌دهنده کلاهی پارچه‌ای یا حتی چرم قوچ است که گوش‌های سر انسان را می‌پوشاند. زیر گره‌ها سرهای شیر وجود دارد و بالای آنها سه سر گاو همراه شاخ‌های کوتاه هلالی شکل وجود دارد» (Shah Nadeem, 2015: 163) (تصویر ۹).

گرز با فرم سر دیو

گرز مذکور به شکل دیو ساخته شده و به نام دیوسر مشهور است که اعتقاد داشتند باعث وحشت در دشمن شده و از این طریق، بر نیروهای شیطانی غلبه می‌کردند. اغلب دارای تزئینات اندک هندسی و گیاهی هستند و بیشتر جنبه تشریفاتی دارند و شاخ‌های تعبیه‌شده بر روی آنها، نقش به‌سزایی در از پای درآوردن دشمن ایفا می‌کردند (تصویر ۱۰).

سیر تاریخی تحول گرزهای جنگی در ایران

اطلاعات منابع مکتوب حاکی از آن هستند که گرز در دوره هخامنشیان و پس از آن در دوره پارتیان، به‌عنوان جنگ‌افزاری



تصویر ۹. گرز انسانی، هند، برنز، از کلکسیون MMA، قرن ۷ میلادی، ترکیه، پیشکشی استیون کوساک، ۹۸۶ (Shah Nadeem, 2015: 163)

است قرار دارد. تیمور در هنگام سان دیدن از سربازان خود، گریزی با سر گاو به همراه داشته و در ایران باستان، انواع مختلف گرز مرسوم بوده است (تصویر ۱۱).

نگاره پاسخ دادن اسفندیار به رستم

در مرکز نگاره، رستم و اسفندیار در باغی بر تختی نشسته و اطراف آنها یاران به صورت دایره‌وار ایستاده‌اند. همگی به غیر از یک نفر آنها که گرز پره‌داری بر روی دوش خود دارد، مجهز به شمشیر هستند. فضای نگاره مملو از رنگ‌های روشن و درخشان، درختان، زمین پر از گل بوده و همچنین آسمان به رنگ طلایی مصور شده است (تصویر ۱۲).

نگاره رفتن بهرام و خسرو به هامون و کشتن بهرام شیران را و بر تخت نشستن او

بهرام از برای اجرای عهد و میثاق، گرز گاوسری برداشته و خود را هم‌اورد نَره‌شیران غزان می‌داند، گرز سنگین را به دور

و فرماندهان سپاه بود. «برخی از گرزهای این عصر بیش از اندازه بزرگ و شکننده هستند و برای مقاصد نظامی مناسب نیستند. بنابراین این قبیل گرزها نقش نمادین داشته‌اند. سر گرزهای این گروه بیشتر از سنگ یشم، برنز، آهن یا یکی از فلزات گران‌بها مثل طلا یا نقره ساخته شده‌اند» (Moshtagh, Khorasani, 2006: 253). سر گرزهای ایرانی، خصوصاً دوره صفوی را در سه گروه می‌توان طبقه‌بندی نمود؛ کروی، تخم مرغی و گلابی‌شکل که بیشتر نمونه‌های این گروه، مربوط به دوران پیش از تاریخ هستند. اما در زمان صفوی هم، نمونه‌های زیادی از این نوع وجود دارند. «به این نوع گرز، در خلال جنگ با ازبکان و با نام "طوپوز" اشاره شده است» (معطوفی، ۱۳۸۲: ۶۳۲). همچنین، بیشترین نمونه گرزهای گاوسر از دوران قاجار به دست رسیده است.

شاهنامه بایسنقری

شاهنامه بایسنقری، در زمره شاهنامه‌هایی است که دارای صحنه‌های رزمی جنگ تن به تن انسان با انسان و انسان با حیوان بوده و جنگ بین قهرمان‌هایی مانند رستم با دیو در آن مصور شده است. «پس از فردوسی و سرایش شاهنامه، تصویرهای فراوانی از داستان‌های حماسه ملی، زیب صفحات نسخ خطی شد که از آن جمله و صد البته از مهم‌ترین و غنی‌ترین آنها، شاهنامه بایسنقری می‌باشد که شاهکار مکتب تیموری است. ۲۲ نگاره دارد که مصور یا مصوران آن به درستی دانسته نیست. همچنین کتابت آن را جعفر تبریزی به سال ۸۳۳ ق. به اتمام رسانده است. پیکره‌های بلند قامت و موقر با چهره‌های ریش‌دار، گل‌بوته‌های درشت و تک‌درختان سرسبز، از عناصر شاخص در ترکیب‌بندی‌های کاملاً متعادل نگاره‌های شاهنامه بایسنقری و دیگر نسخه‌های این زمان به شمار می‌آیند» (پاکباز، ۱۳۸۳: ۷۳). نسخه خطی بی‌نظیر شاهنامه بایسنقری، به قطع رحلی و شامل ۷۰۰ صفحه است که هر صفحه، ۳۱ سطر و هر سطر شامل سه بیت به قلم نستعلیق جعفر بایسنقری است که بر کاغذ خان‌بالغ نخودی کتابت شده است.

نگاره نامه نوشتن زال به سام و احوال نمودن

سوارکار اسب سیاه، با گرز نقره‌ای رنگ و پولادین با قدرت بر فرق پلنگ می‌کوبد. گرز با دسته‌ای بلند و کشیده، با برش‌های ظریفی در قسمت میانه و سری گرد با زائده‌ای قبه‌مانند همراه شده است. نکته قابل تأمل، تزئینات نقش‌بسته بر روی گرز است. در میان گرز، گلی کشیده شده و هشت پر که در حاشیه لبه‌های تیز گل با نیم‌دایره‌ای تزئین شده



تصویر ۱۱. نامه نوشتن زال به سام و احوال نمودن، شاهنامه بایسنقری (عنصری، ۱۳۷۰: ۲۹)



تصویر ۱۲. پاسخ دادن اسفندیار به رستم، ۸۳۳ ه.ق.، شاهنامه بایسنقری (خلج امیر حسینی، ۱۳۸۹: ۷۲)

سپس تور قباد را مخاطب قرار می‌دهد و با لحنی توهین‌آمیز منوچهر را یاد می‌کند و از او می‌خواهد پیامش را به منوچهر برساند. قباد عصبانی به تور می‌گوید که پیامت را می‌برم اما بدان که کار شما سراسر هول و هراس است و چیزی نمانده که از گفتار خود پشیمان شوی و اگر دد و دام روز و شب بر



تصویر ۱۳. رفتن بهرام و خسرو به هامون و کشتن بهرام شیران را و بر تخت نشستن، شاهنامه بایسنقری (عنصری، ۱۳۷۰: ۵۹)



تصویر ۱۴. شاهنامه شاه تهماسبی، ۹۲۸ ه.ق.، جنگ بین فرماندهان خسرو پرویز و بهرام چوبین، نمونه‌ای از سرگرزهای کروی (URL: 3)



تصویر ۱۵. تور قباد را عصبانی می‌کند، منسوب به قدیمی، برگي از شاهنامه تهماسبی، موزه هنرهای معاصر تهران (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۴۳)

سر می‌چرخاند و شیران پرخاشجوی را به غرش درمی‌آورد. یکی از نرّه‌شیران، زنجیر پاره کرده و به سوی بهرام یورش می‌برد. «بهرام به ضرب عمود می‌خکوب، نور از دو دیده شیر می‌ریاید و به سمت شیر دیگر هجوم می‌کند و خون دیده آن قوی پنجه را به رخسارش فرو می‌ریزد و تاج را برمی‌دارد و بر تخت شاهی می‌نشیند. خسرو، نخستین کسی است که بر او آفرین می‌گوید و آن شاه گردن‌فراز (سرکش) را تحسین می‌نماید. امیران لشکر و بزرگان کشور نیز به ستایش او زبان به مدح می‌گشایند و او را در خور مهمی و صاحب کلاه کیخسرو می‌دانند» (عنصری، ۱۳۷۰: ۵۸) (تصویر ۱۳).

شاهنامه شاه تهماسبی

در نگاره‌های شاهنامه مذکور، از رنگ‌های درخشان استفاده شده است، داستان‌های اساطیری و قهرمانی پادشاهانی از جمله: رستم، سام، کیخسرو و ... مصور شده‌اند که نشان‌دهنده سنت کهن ایرانیان در مصور نمودن رزم‌های پادشاهان و فرمانروایان است. «این شاهنامه با ۲۵۸ نگاره در حقیقت، نوعی نگارخانه منقول هنری است و در آن می‌توان شکل‌گیری هنر نگارگری دوره صفوی را در دهه ۹۲۰ ق. تا تکوین آن در میانه دهه ۹۳۵ ق. مشاهده کرد» (آزند، ۱۳۸۴: ۱۱۵). نگاره‌های این نسخه خطی به دلیل دارا بودن برترین ویژگی‌های زیباشناسی، معنایی و فنی خود در میان سایر آثار تاریخ نگارگری ایران، بی‌نظیر و در اوج زیبایی هستند.

نگاره جنگ بین فرماندهان خسرو پرویز و بهرام چوبین

در نگاره مذکور، خسرو پرویز را می‌بینیم که به جنگ با بهرام چوبین برمی‌خیزد. هر دو لباس رزم بر تن نموده و کلاه‌خودی بر سر دارند. بهرام چوبین در یک دست، گرز کروی طلاایی رنگی دارد و با دست دیگر، نیزه‌ای که به سمت وی روانه شده را گرفته و سعی در شکست رقیب دارد. در قسمت پایین نگاره نیز سربازانی را می‌بینیم که در حال جنگ با یکدیگر هستند. در قسمت بالا و پشت کوه هم سربازانی سواره و پیاده وجود دارند که نظاره‌گر و در حال گفت‌وگو با یکدیگر هستند. همچنین، نگارگر سعی داشته که صحنه جنگ را پر جنب و جوش مصور نماید (تصویر ۱۴).

نگاره تور قباد را عصبانی می‌کند

در نگاره مذکور (تصویر ۱۵)، منوچهر سوار بر اسب، گرز پرده‌داری در دست دارد و پیغام خود را به قباد می‌رساند. «منوچهر پسر ایرج، به کین‌خواهی پدر که به دست سلم و تور کشته شده است به جنگ تور می‌رود. قباد، طلاایه‌دار سپاه منوچهر از یک‌سو و تور از سوی دیگر جلو می‌آیند،

که در کنار آن پیش تر به خواب رفته بود. ناگهان خود را با اکوان دیو رویاروی می بیند. به چابکی او را گرفتار می کند و می کشد. نبرد رستم و اکوان دیو، جزو نبردهای تن به تن انسان ها با دیوان قرار می گیرد. بخش عمده ای از این نگاره را چمنزاری با بوته های گل قرمز پوشانده است. کل این بخش با نقطه های سبزرنگ، سایه پردازی شده است. صخره ای با پرداز هاشوری با حرکت افقی خود، قسمتی از بالای نگاره را اشغال کرده است. آسمان آبی یک دست بدون هیچ ابری، خبر از روزی آفتابی می دهد. رستم سوار بر رخس از سمت راست نگاره داخل شده و با گرز خود، محکم بر سر اکوان دیو می کوبد که به شکل گوری طلایی با خال هایی تیره بر روی بدن مصور شده و بسیار کریه المنظر به نظر می رسد. در نگاره مذکور نیز اشعار فردوسی مرتبط با موضوع در بالا و پایین نوشته شده اند (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۶. رستم و سیاوش بلخ را تصرف می کنند، شاهنامه تهماسبی، موزه هنرهای معاصر تهران (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۶۳)



تصویر ۱۷. نبرد رستم و اکوان دیو، شاهنامه رشیدا، کاخ گلستان (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۲۷)

شما بگیرند عجب نباشد. قباد پیام را به منوچهر می رساند. منوچهر خنده ای می کند و می گوید: تنها یک ابله چنین سخن می گوید، زیرا گواه بر فرزندی من، پدر بزرگم فریدون است و در رزمگاه نیز به او ثابت خواهم کرد» (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۴۲).

نگاره رستم و سیاوش بلخ را تصرف می کنند

رستم با گرز می که بر دوش دارد، همراه با سیاوش به جنگ کیکاووس برمی خیزد و سربازان به دستور وی، به قلعه کیکاووس هجوم آورده و بلخ را به تصرف خود درمی آورند (تصویر ۱۶). «کیکاووس ناراحت از شنیدن خبر حمله افراسیاب به ایران، بزرگان را گرد می آورد و به آنها می گوید که افراسیاب بر خلاف عهدش با ما جنگ می کند، من خود باید به جنگش بروم و او را از پای در آورم. بارمان و سپهرم، سران سپاه افراسیاب از میدان جنگ می گریزند و سپاهیان پیروزمند در کنار جیحون خیمه برمی افرازند تا به دستور کیکاووس، دشمن را در آن طرف رود جیحون دنبال کنند. کیکاووس آنان را می ستاید» (همان: ۲۶۲).

شاهنامه رشیدا

این شاهنامه دارای نگاره هایی است که در آنها از رنگ های پخته استفاده شده، صخره ها و کوه ها موج هستند و تمامی نگاره ها به سبکی یک دست و هماهنگ که می توان از آن به "سبک هاشوری و پرداز" تعبیر کرد، کار شده اند. شاهنامه رشیدا به قطع رحلی، ۷۳۸ صفحه، هر صفحه ۲۳ سطر، هر سطر ۲ بیت دارد که با قلم نستعلیق و با وضوح عالی بر کاغذ اصفهانی کتابت شده است. «این نسخه، ۹۳ نگاره بدون رقم دارد که به شیوه مکتب اصفهان در سده هفدهم/نیمه نخست سده یازدهم کار شده و نیمه تمام است. جلد نسخه، چرم ساغری مشکی با نقش لچک و ترنج ضربی طلاپوش که از بیرون و درون آن، تیماج عنابی رنگ زرنگار با همین نقش است» (شاه پسند حسین آبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). به احتمال زیاد، تعدادی از نگاره های این شاهنامه را محمد یوسف از شاگردان رضا عباسی اجرا کرده است. «همچنین شاهنامه مصور، در بردارنده عناصر ویژه نگارگری ایرانی سده های هشتم تا دهم هجری، از جمله نظم عالی، ترکیبات پیچیده، رنگ های شفاف و درخشان، حاشیه پردازی های مشخص و استادانه و توانایی القای عواطف و هیجانات از طریق حالات و نگاه است» (کنبای، ۱۳۸۱: ۳۴).

نگاره نبرد رستم و اکوان دیو

رستم چون گور طلایی رنگ را می بیند، بر آن می شود تا زنده او را به چنگ آورد، اما گور در واپسین دمی که رستم می کوشد تا با کمند او را به اسارت در آورد، به گونه ای جادویی ناپدید می شود. پس از این، رستم به سراغ چشمه ای می آید

نگاره شکست ایرانیان از ترکان

در نگاره مذکور، رنگ‌ها درخشان بوده و عناصر نقاشی از هارمونی رنگی زیبایی برخوردار هستند، تپه‌ها موج و به رنگ ارغوانی-اکر مصور شده‌اند. رودی در وسط نگاره وجود دارد که در دو طرف آن ترکان و ایرانیان در حال گفت‌وگو با یکدیگر هستند. در قسمت بالای تصویر و پشت تپه‌ها، سربازانی دیده می‌شوند که نظاره‌گر داستان هستند و یکی از آنها گرز زرین پرهداری در دست دارد (تصویر ۱۸).

نگاره به بند کشیدن ضحاک ماردوش در کوه دماوند

در تصویر ۱۹، ضحاک مار به دوش به بند کشیده می‌شود و نگاره دارای رنگ‌های روشن و شفاف بوده و کوه‌ها به صورت

مواج در اطراف ضحاک مصور شده‌اند. در گوشه سمت چپ نگاره، فریدون و سربازش گرز بدست در حال گفت و گو با یکدیگر هستند و افراد دیگر نظاره گر رویداد می باشند. با توجه به جداول ۱، ۲ و ۳ که منتخبی از نسخ خطی سه شاهنامه بایسنقری، تهماسبی و رشیدا هستند، می توان متذکر شد که گرزهای کروی، پرهدار و گاوسر مصور شده در آنها از لحاظ فرم با یکدیگر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

گرزهای جنگی، از کهن‌ترین و پرکاربردترین ابزارهای جنگی بوده که به شکل‌های ساده و پیچیده وجود داشته و متناسب با شرایط اقلیمی، اجتماعی، پیشرفت در ساخت ابزارآلات جنگی و ...، تغییر شکل یافته‌اند.



تصویر ۱۹. به بند کشیدن ضحاک ماردوش در کوه دماوند، شاهنامه رشیدا (سمسار، ۱۳۷۹: ۱۱۵)




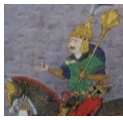

تصویر ۱۸. شکست ایرانیان از ترکان، هنرمند نامعلوم، شاهنامه رشیدا، نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق.، کاخ گلستان (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۹۳)

جدول ۱. گرزهای کروی نگاره‌های شاهنامه

شاهنامه رشیدا	شاهنامه تهماسبی	شاهنامه بایسنقری
تصویر ۱۷. نبرد رستم و اکوان دیو، گرز کروی، شاهنامه رشیدا، کاخ گلستان (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۲۷)	تصویر ۱۴. جنگ بین فرماندهان خسرو پرویز و بهرام چوبین، نمونه‌ای از سر گرزهای کروی، شاهنامه شاه تهماسبی، ۹۲۸ ه.ق. (URL: 3)	تصویر ۱۱. نامه نوشتن زال به سام و احوال نمودن، شاهنامه بایسنقری (عنصری، ۱۳۷۰: ۲۹)

(نگارندگان)

جدول ۲. گرزهای پره‌دار نگاره‌های شاهنامه

شاهنامه بایسنقری	شاهنامه تهماسبی	شاهنامه رشیدا
 <p>تصویر ۱۲. پاسخ دادن اسفندیار به رستم، ۸۳۳ ه.ق، شاهنامه بایسنقری (خلج امیرحسینی، ۱۳۸۹: ۷۲)</p>	 <p>تصویر ۱۵. تور قباد را عصبانی می‌کند، منسوب به قدیمی، برگی از شاهنامه تهماسبی (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۴۳)</p>	 <p>تصویر ۱۸. شکست ایرانیان از ترکان، هنرمند نامعلوم، شاهنامه رشیدا، نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق، کاخ گلستان (همان: ۲۹۳)</p>

(نگارندگان)

جدول ۳. گرزهای گاوسر نگاره‌های شاهنامه

شاهنامه بایسنقری	شاهنامه تهماسبی	شاهنامه رشیدا
 <p>تصویر ۱۳. رفتن بهرام و خسرو به هامون و کشتن بهرام شیران را و بر تخت نشستن، شاهنامه بایسنقری (عنصری، ۱۳۷۰: ۵۹)</p>	 <p>تصویر ۱۶. رستم و سیاوش بلخ را تصرف می‌کنند، شاهنامه تهماسبی، موزه هنرهای معاصر تهران (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۶۳)</p>	 <p>تصویر ۱۹. به بند کشیدن ضحاک ماردوش در کوه دماوند (سمسار، ۱۳۷۹: ۱۱۵)</p>

(نگارندگان)

گرزهای اولیه از چوب و سنگ ساخته شده که با کشف فلزاتی چون؛ آهن، فولاد، مفرغ و ... به فرم‌های زیبا و خلاقانه از جمله؛ گرز با فرم کروی، مخروطی، پره‌دار (شش پر و ...)، زنجیری، حیوانی، دیوسر و انسانی تبدیل و دستخوش تغییر شده‌اند. گرزهای کروی در ابتدا ساده بودند، سپس نقش‌هایی بر روی آنها حک شده، برجستگی‌ها و فرورفتگی‌هایی در آنها ایجاد و از طلا برای تزئین آنها استفاده می‌کردند. همچنین بر روی آنها، نوشته‌ها، نقوش هندسی و گیاهی شامل گل و بوته و قاب اسلیمی به چشم می‌خورد. مورد استفاده این گرزها بیشتر در میداین جنگ بوده و جنبه تشریفاتی نیز داشته‌اند. عمده تفاوت گرزهای کروی در سه شاهنامه بایسنقری، تهماسبی و رشیدا، در نوع کلاهک، شیارها، رنگ‌بندی و نقوشی است که بر روی آنها حک شده است. گرزهای مخروطی بیشتر جنبه نظامی داشته و به صورت ساده و بدون نقش ساخته می‌شده و به ندرت مصور شده‌اند. گرزهای زنجیری اغلب ساده و بدون تزئین هستند و علاوه بر میداین جنگ، به‌عنوان نماد پادشاهی در مراسم درباری و تشریفاتی استفاده می‌شدند. گرزهای زنجیری در دو نگاره شاهنامه تهماسبی، به صورت تک گوی و نوع دیگر گرز کروی بزرگی که زنجیرهای متعدد با گوی‌های کوچک به آن وصل است، مصور شده‌اند. گرزهای پره‌دار در ابتدا ساده و بدون نقش بودند، اما رفته‌رفته نقوش تزئینی و گیاهی بر روی آنها حک و طلاکوبی شدند. همچنین، جنبه آیینی-تشریفاتی داشتند و به خاطر پره‌دار بودن، به گرز شاهانه معروف شده و در جنگ نیز از آنها استفاده نموده‌اند. گرزهای پره‌دار که شامل؛ شش پر، هشت پر و ... هستند، در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری و تهماسبی از لحاظ فرمی تفاوت چندانی نداشته‌اند و تنها تعداد پرهای آنها کم و زیاد شده است، اما در شاهنامه رشیدا از لحاظ فرمی متفاوت هستند و تنها در شاهنامه بایسنقری، نگاره رزم با گرز پره‌دار مصور



شده است. گرزهای حیوانی، جنبه جنگی، تشریفاتی، نمادین و اسطوره‌ای داشته و به‌عنوان عصای سلطنتی استفاده شده‌اند. از سر حیواناتی چون؛ گاو، شیر، قوچ و ... در ساخت گرزها استفاده شده، اما گرز گاوسر جایگاه ویژه‌ای داشته و بیشتر به صورت گاو شاخ‌دار با پوزه بلند، کوتاه و شاخ‌دار ساخته شده و اغلب دارای تزیینات کم بوده و نوشته‌های اندک بر روی آن نقش بسته‌اند و گاهی بدون نقش است. لذا گرزهای گاوسر مصور در نگاره‌های هر سه شاهنامه، دارای فرمی شبیه به هم هستند. نگاره‌هایی از سه شاهنامه بایسنقری، تهماسبی و رشیدا که گرزهای انسانی و دیوسر در آنها مصور شده باشند، وجود ندارند. گرزهای انسانی ساخته‌شده، بیشتر جنبه تشریفاتی داشته‌اند و در شاهنامه‌های مذکور، نگاره‌ای دال بر اینکه در جنگ از آنها استفاده شده، موجود نیست. لذا ثبت و مکتوب نمودن قدرت جنگاوری، داستان‌های اساطیری و جنبه تشریفاتی جنگ‌افزار گرز به واسطه نگاره‌ها در شاهنامه‌های مذکور مصور شده است.

پی‌نوشت

1. Zoomorphic

۹۵

منابع و مأخذ

- آژند، یعقوب (۱۳۸۴). مکتب نگارگری تبریز و مشهد. چاپ دوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- الکساندر، دیوید (۱۳۸۷). ابزارآلات جنگ. ترجمه غلامحسین علی مازندرانی، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- پاکباز، روئین (۱۳۸۳). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. چاپ سوم، تهران: زرین و سیمین.
- پاکزاد، زهرا (۱۳۹۰). نقش دیوان و موجودات اهریمنی در نگاره‌های شاهنامه رشیدا. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال هفتم (۲۲)، ۹-۳۰.
- پوپ، آرتور (۱۳۸۷). زین ابزار جنگ ابزارهای باستانی ایران. ترجمه عبدالکریم جریزه‌دار، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ----- (۱۳۹۴). سیر و صور نقاشی ایران. ترجمه یعقوب آژند، چاپ چهارم، تهران: مولی.
- پوراحمد، مجید و جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۲). گرز گاوسر فریدون و منشأ آن. وزارت علوم، ۳ (۲)، ۵۶-۳۹.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۴۵). زین ابزار (گرز). بررسی‌های تاریخی، سال اول (۵ و ۶)، ۱۹-۳۱.
- ----- (۱۳۸۲). زین ابزار (جنگ ابزارهای باستانی ایران). چاپ اول، تهران: اساطیر.
- خلیج امیرحسینی، مرتضی (۱۳۸۹). رموز نهفته در هنر نگارگری. چاپ دوم، تهران: کتاب آبان.
- دوبنچا، رومانوسکی (۱۳۴۶). تاریخچه اسلحه سرد در ایران. ترجمه حسن انصاری. بررسی‌های تاریخی، سال دوم (۶)، ۸۹-۱۱۲.
- رجبی، محمدعلی (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. چاپ دوم، تهران: موزه هنرهای معاصر.
- رضائزاد، الهه (۱۳۹۷). بررسی فرم، نقش و تزیینات ابزارآلات جنگی عصر تیموری و بازتاب آن در نگاره‌های مکتب هرات. نگارینه هنر اسلامی، ۵ (۱۵)، ۹۰-۴۲.
- زکی، محمدحسن (۱۳۶۶). تاریخ صنایع ایران. چاپ دوم، تهران: اقبال.
- سمسار، حسن (۱۳۷۹). کاخ گلستان (گنجینه کتب و نفائس خطی) گزیده‌ای از شاهکارهای نگارگری و خوشنویسی. چاپ اول، تهران: زرین و سیمین.
- شاه‌پسند حسین‌آبادی، پروین (۱۳۸۸). نبردهای تن به تن در نسخه خطی شاهنامه رشیدا محفوظ در کتابخانه کاخ گلستان. مطالعات هنر اسلامی، سال دوم (۱۱)، ۱۴۸-۱۳۳.
- عناصری، جابر (۱۳۷۰). مجموعه مینیاتورها و صفحات مذهب شاهنامه فردوسی نسخه دوره بایسنقری. چاپ اول، تهران: سروش.
- فاولر، ویل (۱۳۸۱). اسلحه و جنگ‌افزارها در دوران قدیم. ترجمه محمدحسین آریا، چاپ اول، تهران: دلیر و دلهام.
- فورد، توماس (۱۳۶۸). پیدایش و تکامل انسان. ترجمه کاوه برزگر، تهران: گوتنبرگ.

- کاشفی سبزواری، مولاناحسین واعظ (۱۳۵۰). فتوت‌نامه سلطانی. ترجمه محمدجعفر محبوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کنبای، شیلا (۱۳۸۱). نگارگری ایرانی. ترجمه مهناز شایسته فر، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- مایدا، تادئوش (۱۳۹۲). شاهکارهای هنر ایران در مجموعه‌های لهستان. ترجمه مهدی مقیسه و داوود طبایی، چاپ اول، جلد ۱، تهران: شادرنگ.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۲). تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران: جنگ و جنگاوری بر فلات ایران از تمدن ایلام تا ۱۳۲۰ خورشیدی. چاپ اول، تهران: ایمان.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۸۷). نهادهای اساطیری در شاهنامه فردوسی. چاپ دوم، تهران: سروش.
- Harper, P.O. (1985). The OX-Headed Mace in Per-Islamic Iran. *Acta Iranica*, 2 (24), 246-259.
- Kubik, a.l (2015). About one Group of Iranian Maces in the Context of the New Find from Sivas, Turkey: An Analtsis from the Sasanian to the Safavid Period. *Metamorphoses of history*, 1 (5), 154-180.
- Moshtagh Khorasani, M. (2006). **Arms and Armor from Iran: The Bronze Age to the and of the Qajar Period**. Germany: Tubingen.
- Shah Nadeem, A. (2015). bronze mace with three rams heads from ashmolean museum. *Poland*, 1 (4), 157-174.
- URL 1: www.Cio.museums.org (access date: 1399/04/28).
- URL 2: www.Iranantiq.com (access date: 1399/05/02).
- URL 3: www.warfare.uphero.com (access date: 1399/05/02).



The Study of the Formation Process of War Maces in Illustrations of Three Shah names, Baysonghori, Tahmasbi and Rashida

Elaheh Eghbalizadeh* Alireza Taheri**

Abstract

Maces are a long-standing (old) and powerful tool used in hand to hand and group wars. In addition to the martial aspect, they have had ceremonial, ritual, and mythical aspects. Mace is one of the most ancient weapons in the world and one of the most widely used weapons of the Hindu and European heroes and gods, and has been mentioned as the gods and heroes warfare in Avesta and Islamic texts. Due to the development of warfare, maces of simple forms into transformed the various geometrical, spherical, conoidal, bladed, chained, zoomorphic, dimonic and anthropomorphic forms. Often it has a strong body of wood or metal, and a heavy head of copper, bronze, iron or steel. Maces with various sizes can be regarded as symbols of power. Now the question is that how was the formation process of war maces in illustrations of these three Shah names, Baysonghori, Tahmasbi and Rashida? The purpose of this study is to know the types, evolution and depicted version of war maces in illustrations of three mentioned shah names. The reason of the transformation of the maces was the belief of gods and heroes, climatic and social conditions and progress in the manufacture of war weapons. Maces show the bravery of heroes and to create fear in the enemy. Mythological stories and the ceremonial aspect of war maces have been illustrated by the illustrations in these Shahnamehs. The research method is descriptive-comparative and the data are collected by using library studies, documents, creditable scientific sites and museums.

Keywords: Mace, Zoomorphism, Tahmasbi Shahnameh, Rashida Shahnameh, Baysonghor Shahnameh

* M.A Holder in Arts Research, Faculty of Art and Architecture, Sistan and Baluchestan University, Sistan and Baluchestan, Iran. (Corresponding author)

** Professor, Faculty of Art and Architecture, Sistan and Baluchestan University, Sistan and Baluchestan, Iran.